

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزید آبادی، سردبیر: محمدجواد روح، سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی
• معاون سردبیر: مهرداد خدیبه دیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست)
• الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (کسب) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری، تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵، تحریریه: ۸۸۷۳۰۵۲۹، آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷
• نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

ادب زیست اجتماعی و فقدان آن



نیوشا طبیعی‌گیلانی
روزنامه‌نگار و یادگستر

بعد از باز شدن پای اولین مسافران به فرنگ، در زمان فتحعلی شاه قاجار، به یکباره تصور جمعی ما از آنچه در بقیه جهان می‌گذشت تغییر کرد. خود را در قهقرا و گذشته‌های تاریخ و فرنگی‌ها را در آخر دنیا و نهایت پیشرفت تصور کردیم. بهت‌زدگی اولیه ما در برخورد با مظاهر پیشرفت‌های فناوری و تغییر سبک و شیوه زندگی آدمی کم‌وبیش یک قرن و نیم طول کشید. جنگ، تحریم‌ها و بعضی ناکارآمدی‌ها سبب شد که نگاه به شدت انتقادآمیز ما به خودمان دوام پیدا کند. ما با زهم خود را بر از اشکال و عقب‌ماندگی تصور کردیم و دیگران را در نهایت، البته هیچ‌کدام از این تصورات مطلقاً درست با مطلقاً غلط نبود. زندگی اجتماعی و سیاسی در بریتانیای اوایل قرن نوزدهم با ایران اوایل قاجار تفاوت‌فراروانی داشت. مهم‌ترین چیزی که در خاطرات میرزا صالح از انگلستان آن روزگار به چشم می‌آید، نظام آموزشی مرتب و منظم و دانشگاه‌هایی با محیط علمی زنده و پویا بودند. روایت شده است که پس از شکست ایران در جنگ دوم با روسیه، عباس میرزا از سفیر فرانسه می‌پرسد: «چه شد که ما عقب ماندیم و شما پیش رفتید؟»، نمی‌دانم آن سفیر چه پاسخی داده است؟ اما شاید میرزا صالح و خود عباس میرزا مشکل را در آموزش بیافتند. آنها نظام آموزشی دقیق داشتند و ما نداشتیم.

اما انتقاد از خود و مقایسه رفتارهایمان با بقیه جهان هیچ‌وقت پایان نگرفت، هنوز هم از بزرگ و کوچک، رئیس و مرئوس، حاکم و محکوم، در انتقاد از وضع موجود جمله‌مان را با این عبارت شروع می‌کنیم: «در کجای جهان دیده‌اید که...» اگر چه جهانی که از نظر ما بسیار جلو رفته هم مشکل، معضل، بدبختی و گرفتاری کم ندارد. اما در یک زنجیره انتقاد - مشاوره - پیدا کردن راه حل و اتخاذ تصمیمات اجرایی و آموزش، مشکل را تا حد «ممکن» حل می‌کند. ما هنوز هم به امر آموزش التفاتی نداریم. منظور آموزش دروس نیست، منظور آموزش نحوه زیستن و آداب اجتماعی و ماندن اینهاست.

این قسم آموزش است که به حیاتی‌ترین بخش زندگی انسانی بستگی پیدا می‌کند. مهندس، دکتر و متخصص شدن، کاری ندارد. چند سالی درس خواندن بالاخره نتیجه می‌دهد و فردی در رشته‌ای تحصیل می‌کند، اما همین فرد تحصیل‌کرده که آموزشی برای آداب اجتماعی و مهارت‌های زیستن ندیده است، می‌تواند به‌صورتی باقوه محفل آسایش دیگران و آسیب‌رسان به محیط زیست، زمین و جانداران دیگر شود.

به‌جا آوردن «ادب» استفاده از ابزار نوین و برقرار ساختن فرهنگ صحیح آن، مستلزم کاری عمیق و مستمر و متکی بر دانش است. مثلاً ما در برقراری نظم و استفاده صحیح از ابزاری به‌نام خودرو کاملاً ناموفق بوده‌ایم، چون نه قوانین سخت و سختی ابتدا تدوین کردیم، نه ضمانت‌های اجرایی مستمر و بی‌وقفه‌ای بر آن گماردیم و نه آموزش ترافیک را از کودکی به‌مثابه امری فرهنگی در نظر گرفتیم. تخطی از قوانین در بسیاری از کشورهای جهان مصداق بی‌فرهنگی و بی‌ادبی تلقی می‌شود، چون به‌عنوان یکی از آداب اجتماعی آموزش داده شده است. همین را تعمیم دهید به نحوه استفاده ما از شبکه‌های اجتماعی. چنین است که «فرواراد کردن پست‌ها» برای آشنا و غریبه در وقت و بی‌وقت و «فحاشی» در شبکه‌های اجتماعی فارسی، امری کاملاً رایج و مرسوم است و عادی جلوه می‌کند و هیچ‌بی‌ادبی و بی‌نواکتی به حساب نمی‌آید. آسیب زدن به زیستگاه‌های حیوانات با راندن خودروهای غول‌آساز پهنه طبیعت می‌شود «طبیعت‌گردی» و طرفدارانش آن را عین حمایت از محیط زیست می‌پندارند! از این قبیل مثال‌ها لایذ شمایم فراوان می‌توانید بیابورید.

کسی که مرتکب فعل ناصواب آزاددهنده می‌شود غالباً از زشتی و آزاددهندگی کار خود بی‌خبر است، چون آموزش ندیده و با فرهنگ آن آشنا نیست. به‌طور مثال لایذ نمی‌داند که پیام‌رسان وسیله‌ای برای مواقع ضروری است، نه برای هر روز صبح بخیر گفتن و ارسال مطالب دیگران برای مخاطبانی که خود به همه شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند و لایذ امکان مطالعه و دیدن اطلاعات برای آنها هم فراهم است!



وزارت ارشاد در جایگاه اصناف و اتحادیه‌ها افزایش نگرانی‌ها از بند (پ) ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه و سازوکار رسیدگی به تخلفات اهالی فرهنگ و هنر در آستانه ابلاغ نهایی این برنامه



نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

سنوات ماضی بیشتر بوده است اما اکنون بسیار اندکند. هنرمندانی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند روابطش را با آن‌ها ذیل قانون کار در کمیته انضباط کار یا قانون رسیدگی به تخلفات اداری تعریف کند، تعداد این هنرمندان بسیار اندک است و ریشه‌های آن‌را می‌توان در نسل قدیمی طلابی بزرگانی چون زنده‌یادان عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، محمدعلی کشاورز و دیگر سروران جست‌وجو کرد که کارمند اداره نمایش و وزارت فرهنگ و هنر بوده‌اند. در نتیجه به‌واسطه این رابطه استخدای رسیدگی به تخلفات آن‌ها در قالب هیئت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت می‌گنجید در حالی که این روند رسیدگی اکنون سال‌به‌سال به انتفاء موضوع است. او اشاره کرد: «دولت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چون مشاهده کردند که برای رسیدگی به آن‌چه تخلفات هنرمندان می‌نامند هیچ مستمسک قانونی‌ای در دست ندارند، این پیشنهاد را در قالب برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران یا آن‌طور که اکنون نامیده می‌شود «لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۷-۱۴۰۳)» به مجلس ارائه دادند. آگاه ادامه داد: «طبق آن چه من در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان مشاهده کرده‌ام این پیشنهاد مورد ایراد شورای نگهبان هم نیست و این شورا پذیرفته است که چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت هنرمندان را صادر می‌کند پس می‌تواند به تخلفات آن‌ها نیز رسیدگی کند. در حالی که این رابطه‌ای علی‌ومعلولی یا منطقی نیست. در واقع به‌رغم این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت هنرمندان و فعالان عرصه فرهنگ و هنر را صادر می‌کند اما تخلفات احتمالی آن‌ها باید در اتحادیه‌هایشان مورد بررسی قرار گیرد. ضمن اعلام مخالفت خود با تمام سامانه‌های صدور مجوز به‌علت مغایرت آن‌ها با اصول قانون اساسی، به‌عنوان مثال سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه ساخت یک فیلم سینمایی یا اداره کل هنرهای نمایشی پروانه اجرای یک نمایش را صادر می‌کنند ولی نمی‌توانند به تخلفات احتمالی آن‌ها رسیدگی کنند در حالی که بند (پ) ماده ۷۵ چنین امکانی را برای‌شان فراهم می‌آورد. امکانی که محل اشکال است چون هنرمندان نه استخدام کارگری و نه استخدام کارمندی دولت نیستند.»

▼ وقتی وزارت ارشاد به جای اتحادیه‌ها می‌نشیند

این استاد حقوق عمومی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به این که «در مجموع به نظر می‌رسد تصویب چنین قوانینی را می‌توان ترک‌های وقایع اجتماعی سال‌های اخیر دانست». افزود: «این اتفاقات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به این نتیجه رسانده است که باید بتواند به آن‌چه تخلفات هنرمندان می‌خواند، رسیدگی کند. در نتیجه از ممنوع‌الکاری تا ممنوع‌التصویری و ممنوع‌الصدایی و ممنوع‌الاجرائی که سال‌ها پنهانی و درگوشی صورت می‌گرفت و رویکرد غالب نسبت به آن‌ها انکارشان بود، اکنون به‌صورت قانونی صورت خواهد گرفت. اقدامی که از نظر منطق حقوقی به‌طور کامل قابل رد و انکار است.» او با اشاره به تنها تغییر صورت گرفته در بند (پ) ماده ۷۵ در شورای نگهبان ادامه داد: «در تبصره ۲ بند (پ) ماده ۷۵ آمده بود که ترکیب هیئت‌های بدوی و عالی رسیدگی به تخلفات و نیز تعیین ترکیب اعضای هیئت‌ها، نحوه رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. تبصره‌ای صدرصد مخالف قانون اساسی که طبق نظر شورای نگهبان حذف شده است. اما موجب تأسف است که شورای نگهبان تنها به این تبصره ایراد حقوقی وارد دانسته و اقدام به حذف آن کرده است در حالی که آن چه در متن نهایی مشاهده می‌شود موظف شدن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به انجام اقدام قانونی لازم در این خصوص است. در واقع شورای نگهبان به‌رغم ایراد قانونی صحیحی که به تبصره ۳ وارد دانسته از ورود به یک مرحله پیش از خودداری کرده و اساساً نرسیده است که این اجازه چگونه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تفویض شده است که به‌جای اتحادیه‌ها و اصناف بنشیند و به تنبیه هنرمندان در پی تخلفات احتمالی بپردازد. این اقدام چیزی جز نفی نهادسازی و سندیکارایی نیست و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود مجوز فعالیت هنرمندان را صادر می‌کند، خود نیز در صورت بروز خطای احتمالی به مجازات آن‌ها می‌پردازد.» آگاه اظهارات خود را با این نتیجه‌گیری به پایان رساند که این اقدام هم از نظر منطقی و هم از نظر حقوقی، ضمن نامطلوب بودن، ناممکن نیز هست و قانون اساسی نیز چنین اجازه‌ای را صادر نکرده است. هرچند متأسفانه در «لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)» چنین اجازه‌ای صادر شده است.

داوودمنظور، رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور، همچنین هادی طحان‌ظریف، سخنگوی شورای نگهبان، روز شنبه ۱۲ خردادماه ۱۴۰۳ طی نشست‌های جداگانه از نهایی شدن و ابلاغ قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران با بندهایی جنجال‌برانگیز ظرف چند روز آینده خبر دادند. آن‌طور که داوود منظور گفته است در آستانه یک‌سالگی ارائه این لایحه اختلافات بین مجلس و دولت، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام برطرف شده و تنها ۵ تا ۶ مورد باقی مانده است. قانونی که از جمله بندهای جنجال‌برانگیز آن در حوزه فرهنگ هنر می‌توان به بندهای (ب) و (پ) ماده ۷۵ اشاره کرد. طبق بند (ب)، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مکلف کردند تا نسبت به راه‌اندازی «سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» اقدام کنند. در بند (پ) نیز نمایندگان مجلس، سازوکار رسیدگی به «تخلفات اهالی فرهنگ و هنر» را تعیین کرده‌اند. مطابق بند (پ) و تبصره‌های سه‌گانه آن «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است به منظور رسیدگی به تخلفات کلیه دارندگان مجوز یا فعالان موضوع موارد مندرج در ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ و سایر قوانین و مقررات حوزه فرهنگ و هنر و ضوابط مربوط مصوب مراجع ذی‌صلاح به‌جز در مواردی که قبلاً در خصوص آن‌ها در قوانین یا مصوبات شورایی انقلاب فرهنگی تعیین تکلیف شده، از قبیل «قانون مطبوعات»، «ضوابط تأسیس و نظارت بر آموزشگاه‌های آزاد هنری»، «ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آن‌ها» در قالب هیئت‌های بدوی و عالی رسیدگی به تخلفات و نیز تعیین ترکیب اعضای هیئت‌ها، نحوه رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات، اقدام قانونی لازم را به عمل آورد. در تبصره ۱ این بند آمده است: «هرگاه هیئت‌های رسیدگی به تخلفات، در فرآیند بررسی‌های خود به تخلفی که واجد وصف عناوین مجرمانه باشد، برخورد نمایند موظفند مراتب را جهت رسیدگی لازم به مرجع قضایی صالح اعلام نمایند. در تبصره ۲ آن نیز ذکر شده است: «رسیدگی به اعتراضات راجع به رأی قطعی هیئت‌های بدوی و عالی موضوع این بند با رعایت تبصره (۲) ماده (۳) و ماده (۱۰) قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ در صلاحیت شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.» تبصره ۳ این بند نیز حذف شده است. آن چه در این میان فعالان تشکل‌های حوزه فرهنگ، هنر و رسانه را نگران کرده این است که از چند روز دیگر و در پی تصویب نهایی برنامه هفتم توسعه و ابلاغ آن، هنرمندان، ادیبان، نویسندگان، فیلمسازان، روزنامه‌نگاران و همه آن‌ها که به‌تجدوی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سروکار دارند، باید منتظر تشکیل هیئت‌های بدوی و عالی رسیدگی به تخلفات و نیز تعیین ترکیب اعضای هیئت‌ها، نحوه رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات توسط این وزارتخانه باشند.

▼ نامطلوب و ناممکن از نظر منطقی و حقوقی

وحید آگاه، حقوق‌دان و استاد حقوق عمومی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی در پاسخ به این که آیا ابلاغ قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه بند (پ) ماده ۷۵ آن چه اتفاقی رخ خواهد داد، به «هم‌میهن» گفت: «در خصوص بند (پ) ماده ۷۵ قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران که به «لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)» تغییر نام داده است چند نکته را باید مدنظر قرار داد. ماهیت این بند از این قرار است که دولت به‌عنوان قوه مجریه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان زیرمجموعه آن به این نتیجه رسیده‌اند که هنرمندان تحت نظارت آن‌ها هستند و اساساً باید به تخلفات آن‌ها رسیدگی کنند. این نتیجه‌گیری از چند نظر محل اشکال است. هنرمندان نه کارمندان دولتند، نه کارگر آن و نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستگاهی اجرایی است که در قالب رابطه‌ای کارمندی یا کارگری، هنرمندان را به استخدام خود درآورده باشد. البته هنرمندانی هستند که چنین رابطه‌ای با دولت دارند و اگرچه تعدادشان در

افشاریان راهی زندان شد

رئیس سابق کمیته داوران فدراسیون فوتبال در رابطه با پرونده باشگاه مس رفسنجان بازداشت شد. این خبری است که ظهر دیروز خبرگزاری ایسنا منتشر کرد و مشخص شد ابعاد پرونده فساد مربوط به سال ۱۴۰۰ گسترده‌تر از چیزی است که پیش‌تر تصور می‌شد. پس از بررسی پرونده مربوط به پرداخت رشوه از سوی باشگاه مس رفسنجان به برخی مدیران فوتبال، حالا خبر رسیده که یکی از متهمان پرونده بازداشت شده است. در این رابطه شنبه هفته جاری پنج متهم پرونده به دادگاه احضار شده و توضیحات خود را ارائه کرده‌اند. یک مقام آگاه با تایید این خبر به ایسنا اعلام کرد، خداداد افشاریان در رابطه با این پرونده روانه زندان شده است. نکته حائز اهمیت این است که در صورت تایید فساد افراد دیگر در این پرونده، باید مشخص شود چه افراد دیگری در خصوص این موضوع سود کردند؛ چون اگر رشوه‌ای بوده قطعاً فرد دریافت‌کننده و پیشنهاددهنده‌ای نیز حضور داشته‌اند. مهدی تاج قبلاً تایید کرده بود که یک عضو دیگر فدراسیون - به‌جز افشاریان - در این پرونده دخیل است.

سه جهان بینی از منظر دیلتای

کتاب «فلسفه اخلاق و جهان‌بینی»، نوشته ویلهلم دیلتای، با ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی در ۴۵۸ صفحه، با قیمت ۳۸۰ هزار تومان توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است. «فلسفه اخلاق و جهان‌بینی»، جلد ششم از گزیده آثار شش‌جلدی ویلهلم دیلتای است که عمدتاً به آثار او در دوره‌ی پس از سال ۱۹۰۰ اختصاص دارد. در این شش‌جلد، درباره‌ی سه‌موضوع بحث شده است: فلسفه اخلاق، ماهیت معرفت‌فلسفی و جهان‌بینی. در بحث فلسفه اخلاق به موضوعات فلسفه اخلاق از افلاطون تا دستگاه‌های قرن نوزدهم اشاره و براساس فلسفه‌ی زندگی، نظر مستقل خود درباره‌ی اخلاق را بیان کرده است. در بحث ماهیت معرفت‌فلسفی، ذات فلسفه را بیان کرده است. او صورت‌های تاریخی تفکر فلسفی دوره‌ی یونانی، قرون وسطی و جدید را تحلیل و در سیلان تاریخی فلسفه و پیوند فلسفه با سایر عناصر فرهنگ نظیر علم، هنر، ادبیات و دین کندوکاو کرده است. در بحث جهان‌بینی، به تشریح جهان‌بینی‌ها پرداخته است. دیلتای سه نوع جهان‌بینی شاعرانه، دینی و فلسفی را از هم متمایز و رووندشده جهان‌بینی‌ها را از شاعرانه به فلسفی تعیین کرده است.



فلسفه اخلاق و جهان‌بینی نویسنده:

ویلهلم دیلتای

منوچهر صانعی دره‌بیدی

انتشارات: ققنوس

توقیف روزنامه «انقلاب اسلامی»



۱۷ خردادماه ۱۳۶۰ روزنامه «انقلاب اسلامی» که ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول آن بود، به دستور دادستان انقلاب اسلامی تهران توقیف شد.

بنی‌صدر انتشار این روزنامه را از ۳۰ خردادماه ۱۳۵۸ شروع کرده بود و استفاده از نام «انقلاب اسلامی» برای این روزنامه، با گسترش شهرت بنی‌صدر در میان مردم همراه بود. از سوی دیگر بخش سخنرانی‌های بنی‌صدر در رادیو و تلویزیون و مناظره‌های او با برخی از نظریه‌پردازان و اعضای گروه‌های مارکسیستی، به افزایش شمارگان روزنامه کمک کرد. از مهم‌ترین مطالبی که بنی‌صدر پس از انتخاب به ریاست جمهوری در روزنامه انقلاب اسلامی منتشر می‌کرد: «گزارش به مردم» یا «کارنامه رئیس‌جمهور» بود که در آن بنی‌صدر یادداشت‌های روزانه خود را منتشر می‌کرد. این گزارش‌ها معمولاً به اختلاف میان سران کشور می‌پرداخت و انتشار آن، اختلافات میان سران نظام را آشکار می‌کرد. روز پس از توقیف روزنامه، بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا عزل شد و ۱۴ روز پس از این یعنی در ۳۰ خردادماه، مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر داد. اول تیرماه ۱۳۶۰ نیز امام خمینی (ره) در بیانیه‌ای، بنی‌صدر را از ریاست جمهوری عزل کرد.